روزنامه نهم

روزنامه سیاسی
اقتصادی ، اجتماعی
و فرهنگی صبح ایران

پنجشنبه ۷ تیر ۱۴۰۳ _ ۲۰ ذیحجه ۱۴۴۵ _ ۲۷ ژوئن ۲۰۲۴
سال نهم _ شماره ۲۴۴۶ _ ۴ صفحه _ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

خدمات دولت سیزدهم از نگاه آمار

خدمات ماندگار رئیس جمهور شهید در ٤٥ سفر استانی

در شـــرایطی که مردم خود را برای روز سرنوشت‌ســـاز هشـــتم تیرماه و انتخاب اصلح از میان شش کاندیدای چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری آماده می‌کنند، نامزدها درکنار ارائه برنامه‌های خود که به صورت عمده به اقتصاد و معیشت مردم معطوف است، شرایط فعلی اقتصادی ایران را نیز مورد نقد قرار می‌دهند. در این میان برخی کاندیداها با ارائه و اعلام آمارهای مخدوش که با گزارش‌های رسمی مراجع هیچ نسبتی ندارد، تصویری نادرست از آنچه در سه سال دوره فعالیت دولت سیزدهم اتفاق افتاده است، ترسیم می‌کنند.

صفحات ۲ و ۳

مشارکت مردم تعیین کننده خواهد بود

روز انتخاب

۴

سرمقاله

برای ایران سمت درست تاریخ

ولی‌الله شجاع‌پوریان
مدیر مسئول

نارضایتی مردم از نظام سیاسی در همـــه کشـــورهای دنیا با هر شـــکل و محتوایی، متناســـب با عملکـــرد و کارآمـــدی آن نظام در بـــرآوردن توقعات و انتظارات مـــردم اتفـــاق عجیبی نیســـت؛ در چنین شـــرایطی حکومت‌ها به دنبال حفظ وضـــع موجود و شهروندان به در پی تغییر اوضاع خواهند رفت؛

شرح در همین صفحه

یادداشت ها

منازعه یا مناظره؟!

علیرضا بهشتی
روزنامه‌نگار
و استادیار دانشگاه

از نقش فرمایشی تا نقش تقنینی رئیس‌جمهوری

صلاح‌الدین هرسنی
تحلیلگر مسائل سیاسی

الزامات دولت ١٤ در سیاست‌خارجی

علی بمان اقبالی زارچ
تحلیلگر مسائل سیاسی

«دولت‌ها با یکدیگر فرق ندارند» دروغ بزرگی است

ضرورت مشارکت برای تغییر

۴

دعوت مراجع از مردم برای حضور در انتخابات

۴

رئیس ستاد انتخابات استان تهران تاکید کرد:

فقط با ۲ مدرک هویتی می‌توانید رأی دهید

۴

سرمقاله

برای ایران، سمت درست تاریخ

ولی‌الله شجاع‌پوریان– نارضایتی مردم از نظام سیاسی در همه کشورهای دنیا با هر شکل و محتوایی، متناسب با عملکرد و کارآمدی آن نظام در برآوردن توقعات و انتظارات مردم اتفاق عجیبی نیست؛ در چنین شرایطی حکومت‌ها به دنبال حفظ وضع موجود و شهروندان به در پی تغییر اوضاع خواهند رفت؛ نارضایتی نسبت به وضع موجود و نیل به وضعیت مطلوب از سه مسیر مشخص می‌گذرد؛ اول تلاش برای انقلاب و براندازی؛ دوم تلاش برای اصلاح وضعیت موجود و سوم، انفعال و قهر با نظام سیاسی برای کاهش مشروعیت.

تجارب تاریخی متعدد از دوران مشروطه تا به امروز نشان می‌دهد که تغییر وضعیت موجود از طریق انقلاب دســـت‌کم در ایران و بســـیاری از کشورهای دنیا با چشم‌انداز انقلابیون فاصله داشـــته است، انقلاب مشروطه با برخی رفتارهای رادیکال به حکومت اســـتبداد رضاخانی رســـید، حرکت دکتر مصدق منجر به کودتای ۲۸ مرداد و تثبیت استبداد در دوران محمدرضا پهلوی شد و تلاش طیف‌های سیاسی متنوع و مختلف در سال ۵۷ نیز به وضعیت فعلی انجامیده که بازهم مورد نقد جدی بسیاری از انقلابیون قرار گرفته است، از این رو لااقل انقلاب در ایران تاکنون دستاورد قابل قبولی برای منتقدین وضع موجود به دنبال نداشته است.

با وجود موفقیت‌های اول دولت روحانی که با استقبال ۲۴ میلیونی در انتخابات دوره دوم مواجه شـــد، دلایل متعددی از جمله کرونـــا، روی کارآمدن ترامپ و برخی مانع تراشی‌های داخلی، کارنامه قابل قبولی از دولت دوم روحانی به زعم افکار عمومی برجای نماند و منتقدین وضع موجود برای تغییر این وضعیت به سمت گزینه انفعال و قهر با نظام سیاسی رفته‌اند؛ نتیجه این قهر تشکیل دو مجلس یک‌دست با حداقل مشارکت با حضور پاچوش‌ها، تشکیل دولت سیزدهم در انتخاباتی با پایین‌ترین نرخ مشارکت در انتخابات ادوار ریاســـت جمهوری، تشدید روند خالص‌سازی و نابودی بسیاری از زیرساخت‌های اقتصادی و زیست‌محیطی بوده و مشخص نیست چنین رویه‌ای تا چه زمانی می‌تواند ادامه‌دار باشد و آیا امیدی به بهبود شرایط یا تغییر مثبت در آینده وجود دارد؟

برای جامعه ایران با وجود ساختارهای فرهنگی و سیاسی، موقعیت ژئوپولتیک، پیشینه فرهنگ سیاسی، دخالت‌های خارجی، خلقیات اجتماعی، محدودیت‌های بین‌المللی و منطقـــه‌ای و جبر خاورمیانه چاره‌ای جز تلاش برای تغییر وضع موجود از طریق اصلاح تدریجی وجود ندارد، کنشگری بر اساس آمال و آرزوها جز تشدید شرایط موجود، ناامیدی فعالان سیاسی و هدررفت سرمایه اجتماعی و به مخاطره افتادن تمامیت ارضی کشور نتیجه‌ای در پی ندارد، اگر بهبودی در برخی دوره‌ها در کشـــور صورت گرفته ناشـــی از استفاده از روزنه‌هایی است که با اقبال مردم مواجه بوده، امروز ۵ گزینه اصول گرا در تمامی مناظـــرات به زعم حملات مکرر به دولت روحانی، جرات حتی یک نقد هرچند کوچک را به دولت اصلاحات نداشتند، پس با اصلاحات، بهبود وضعیت دور از دسترس نیست.

خستگی مردم و ناامیدی بسیاری از فعالان سیاسی قابل درک است، اما چاره‌ای جز تـــلاش برای تغییر وضع موجود از طریق اصلاح نیســـت؛ امروز پس از یک و نیم دهه یک نامزد شناسنامه‌دار اصلاح طلب در عرصه انتخابات حضور دارد، شرایط بین‌المللی به‌گونه‌ای است که نمی‌توان امیدی به بهبودی با رویکردهای فعلی داشت؛ خالص‌سازان داخلی در غیاب مشارکت مردم سرمستانه سرود پیروزی سرداده‌اند، مشارکت ۸ درصدی در تهران را حماســـه خواندند و در حال تقسیم غنایم هستند، حضور دکتر پزشکیان روزنه‌ای هرچند کوچک برای نجات ایران در مســـیر خالص‌سازی است؛ باید قدر این فرصت را دانست.

دکتر پزشکیان شخصیتی سالم، صادق و پاک‌دست است، او با درک صحیح شرایط کشـــور با رویکردی اخلاق‌مدارانه در مناظرات ظاهر شد و به رغم اینکه می‌توانست با اندکی ژست‌های ساختارشکنانه و تقابل‌آمیز محبوبیتی برای خود دست‌وپا کند، اما از مسیر اجماع و تعامل و آرامش ظاهر شد، او نه برای تقابل بلکه برای تعامل و ساختن ایران به دست آمده است، پزشکیان باور دارد باید کوتاه آمد تا سربلند شد، همه می‌دانیم فردای پیروزی پزشکیان روزهای سخت‌تری را پیش رو داریم، اما قهر و تحریم انتخابات ۸ سال فرصت را در اختیار خالص‌سازان برای اجرای برنامه‌هایشان به وجود می‌آورد، ۸ سالی که شاید فرزندان ما در آینده از ما بپرسند کدام سمت تاریخ ایستاده بودیم؟!

مدیر مسئول

یادداشت

منازعه یا مناظره؟!

علیرضا بهشتی– ایـــن روزها مانند ادوار پیشین انتخابات ریاست جمهوری، مجددا بحث نامزدهای انتخاباتی کاندیداها داغ اســـت. انتظار این بود که چنین مناظره‌هایی فرصتی برای ارایه برنامه‌ها دیدگاه‌های نامردها در عرصه سیاســـت، اقتصاد و فرهنگ باشد. اما بیشتر حاشیه سازی، دسته بندی‌های سیاسی، فرافکنی و بد اخلاقی نصیب مخاطبان شـــد. بدیهی است که که این آسیب‌ها به فرهنگ عمومی و فرهنگ سیاسی بر می‌گردد.

تخریب، تهمت، کنایه زدن و... مؤلفه‌هایی که متاسفانه در فرهنگ سیاسی ایران نهادینه شده است و خود یکی از مهم دلایل واگرایی میان مردم و اصحاب سیاست است. دیدم و شنیدیم که برخی از نامزدها دوران کنونی را رها کردند و به تخریب شخصیت گذشـــتگانی پرداختند که حتی دقایقی فرصت دفاع از خود را ندارند. نامزدهایی که از هرگونه تحمل پذیری سیاسی به دور هستند و مشکلات کشور را به این و آن نســـبت می‌دهند و خـــود را به دور از هر نقص و خطایی می‌دانند. پرسش بنیادین این است که این نامزدها چگونه می‌توانند تضمین کنند، اگر زمانی بر اریکه دســـتگاه اجرایی کشور تکیه زنند باز هم به گذشته بر نگردند و مقصر را آنان که نیستند، ندانند؟ واقعیت‌های موجود در جامعه را باید درخانه‌های مردم و سرسفره‌های آنان دید.

جای شگفتی است که برخی از عزیزان، هر اقدام انجام شده که مورد وفاق مردم است را به خود نسبت دادند و هر اقدامی که نقدی برآن وارد است به دولت‌های که در جریان سیاسی مقابل قرار دارند. گویا زمان حال را به فراموشی سپرده‌اند و به این پرسش پاسخ نمی‌دهند که اگر اوضاع بر وفق مراد همگان است و اوضاع به‌کام، پس چرا به میدان آمدند و از سوی دیگر کدام مشکل را می‌خواهند حل کنند؟ چون به زعم آنان مشکلی وجود ندارد و اگر وجود دارد به کسانی برمی‌گردد که در گرایش سیاسی با آن‌ها تفاوت دارند و لاغیر؟!

در این مناظره‌ها آنچه بیشتر از هر موضوع دیگری آشکار شد، جهت‌گیری‌های سیاسی عریان و دیدگاه‌های ایدئولوژیک و واگرایانه بود که نه تنها سبب انسجام ملی نمی‌شود، بلکه تار و پود جامعه سیاسی را از هم می‌گسلد. مطرح کردن دیدگاه‌های صفـــر یا صدی، قهرمان‌گرایانه ، فردگرایانه و مطلق‌گرایانه برخی از نامزدها نیز در مناظره‌ها کاملا مشهود بود. بدیهی است که وقتی فردگرایی و مطلق‌گرایی به عنوان یکی از خلقیات نهادینه شده در فرهنگ سیاسی ایران جای خرد ورزی می‌نشیند، نباید به غیر از فرافکنی، اتهام زنی، بد اخلاقی و بگو مگوهای پینگ پنگی انتظار دیگری داشته باشیم. وقتی برخی از آمارها با انگیزه جناحی بازگو می‌شود و برخی از آمارها با همان انگیزه بیان نمی‌شود، منافع ملی به منافع حزبی و گروهی تبدیل می‌شود، نقد دولت‌ها رنگ و بوی سیاسی می‌گیرد و به جای مشاهده بحران و طرح مسئله افراد و شخصیت‌ها محور مبارزه می‌شوند، نه آسیب‌ها و مشکلات؛ طبیعی اســـت که اجماع و انسجام درونی به رویایی دست نیافتنی تبدیل می‌شود و این تقابل‌های فردی به پوستین وارونه‌ای تبدیل می‌شود که مسائل و مشکلات بنادین اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را وارونه نشان می‌دهد.

برخی از نامزدهای محترم از کارهایی که کردند گفتند، اما نگفتند چه کارهایی نکردند. اگر این همه تلاش و دغدغه آنها برای رفع مشکلات مهم مردم بوده است، به طور عینی نتایج شکل‌گیری این مدینه فاضله را در کجا باید جستجو کنیم؟ و به بیانی دیگر چرا نتایجش برای مردم ملموس نیســـت. باید از مردم پرسید که در حال‌حاضر شرایط اقتصادی خوبی دارند یا خیر؟ به عنوان مثال درباره کارنامه عزیزانی که در عرصه مدیریت شهری فعالیت کرده‌اند، باید از مردم تهران پرسید که آیا از وضعیت ترافیک و آلودگی هوا، راضی هستند یا خیر؟ وضعیت جمع آوری زباله در شهر تهران چگونه است؟ وضعیت ایمنی در ساختمان‌های تهران در چه شرایطی است؟ مدیریت بحران آماده مقابله با حوادث غیر مترقبه در این کلانشهر را دارد؟ وضعیت پارکینگ‌های شهری در مناطق پرتردد چگونه است؟ با وجود طرح جامع شهر تهران در افقی ۲۰ ساله که مربوط به سال ۱۳۸۶ است، وضعیت کیفیت زیست در تهران امروز چگونه است؟ و... پس باید از کارهای انجام نشده نیز سخن گفت و درباره آنها از مردم پرسید.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

از نقش فرمایشی تا نقش تقنینی رئیس‌جمهوری

دکتر صلاح‌الدین هرســـنی _ همواره در گرماگرم انتخابات ریاست جمهوری از سوی شهروندان می‌شنویم که رئیس جمهوری در کشور ما فاقد نقش تقنینی ریاست جمهوری است. این شهروندان به این نتیجه رســـیده‌اند نقش ریاســـت جمهوری بیشتر فرمایشی است و استقلالی در اجرای تکالیف و رسالت ذاتی رئیسی جمهوری ندارد. پس وقتی نقش رئیس جمهوری فرمایشی است،چه نیازی به رئیس جمهوری است و چرا حاکمیت هر چهار سال اسباب زحمت شـــهروندان در کشاندشان به پای صندوق رای می‌شود؟ دلایلی هم که این شـــهروندان اقامه می‌کنند، خواب و خیال و واهی نیســـت و به واقع قرین صدق و راســـتی آزمایی است. در واقع این شهروندان درست دیده‌اند و درست نیز می‌گویند که نقش رئیس جمهوری تا میزان قابل توجهی فرمایشی است. آنها به معاینه دیده‌اند که ریاست جمهوری در قوه مجریه فاقد اختیارات ویژه برای انجام کارویژه‌های این نهاد اجرایی است.

شهروندان به وضوح مشاهده کرده‌اند که نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در موسم تبلیغات و رقابت‌های انتخاباتی برای موبالیزاسیون و بســـیج افکار عمومی برای مشارکت حداکثری و گرم نمودن تنور انتخابات، وعده سفر به کره ماه، اینترنت استارلینک، تور دور جهان در ۸۰ روز،ساخت خانه یک میلیونی در یک سال برای بی خانمان‌ها، وعده رفع حصر، وعده عادی‌ســـازی و ترمیـــم روابط با آمریکا، رفع فیلترینگ پلتفرم‌های مجازی محبوب ایرانیان و از همه مهمتر توانمند ســـازی اقتصادی خانواده‌های ایرانی را می‌دهند، اما خروجی آنها نه معجزه بلکه چیزی جز تکرار همان وضعیت و مصائب گذشته نیست.

حال پرسش آن است که چه باید کرد؟ چه باید کرد که کارویژه‌های قـــوه مجریه در ایران باید همانند کارویژه‌ها و ماموریت‌های ذاتی قوه مجریه به ســـیاقی که در کشورهای توسعه یافته جاری است، باشد؟ پاسخ به پرسش افکار عمومی و سوال پر ابهام شهروندان را اصل۱۱۳ و ۱۳۶ قانون اساســـی به وضوح داده اســـت. اصل۱۱۳ قانون اساسی به صراحت اشـــعار می‌دارد که: پـــس از مقام رهبری، رییس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاســـت قوه مجریه را جز در اموری که مستقیما به رهبری مربوط می شود، بر عهده اوست. اصل ۱۳۶ نیز به صراحت بیان داشته است که: رئیس‌جمهور می‌تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدیـــد از مجلس رای اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیئت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیئت وزیران تقاضای رای اعتماد کند. به این ترتیب راهنمای تغییر نقش فرمایشی به تقنینی برای رئیس جمهوری،در گام نخست قانون اساسی است. البته اصرار و ابرام رئیس جمهوری به حفظ استقلال در حیطه‌های نقش‌های او نیز کمک می‌کند که نقش او تقنینی شود و از نقش فرمایشی فاصله گیرد.

به این ترتیب،اگر رئیس جمهور بتواند الگوی تقنینی را مبنای عمل و اختیارات خود در پاستور قرار دهد، تا حدی نقش ریاست جمهوری به فلسفه واقعی نقش ریاست جمهوری نزدیک خواهد شد. در غیر این صورت باید به شهروندان حق داد که بگویند،رئیس جمهوری در کشور ما هیچ‌کاره است. یادمان باشد که صرف داشتن یک نظم تک ریاستی در قالب (پرزیدانتال) آنهم در فقدان و غیاب سیستم پارلمانی یا همان نخست وزیری برای گردش سازو کارهای قوه مجریه کافی نیست و رئیس جمهوری باید بتواند از حوزه اختیارات تقنینی خود فارغ از مداخلات نهادها و ارگان‌های موازی، به خوبی استفاده کند.

کارشناس و تحلیلگر مسائل سیاسی

یادداشت

الزامات دولت ١٤ در سیاست خارجی

علی بمان اقبالی زارچ _ عرصه بین الملل دوره سخت و دشواری را در مواجهه با چالش های اساسی جهان در شرایط کنشگری ضعیف مجامع بین المللی تجربه می کند و در هزاره ســـوم که به عصر سرعت و شتاب، شبکه ها، انقلاب و انفجار اطلاعات، رشد و توسعه فنی و علمی و رفاه نسبی اشتهار یافته است و جهان در کنار مشکلات عدیده‌ای چون جنگ و نسل کشی در غزه، بحران اوکراین، بحران در دریای سرخ، خشونت فردی و گروهی، تروریسم، داعش، جنگ های قبیله ای و شبه دینی، نابودی طبیعت به دست بشر به دلیل تصاعد بیش از حد گازهای گل خانه ای، فقر و نابرابری و توسعه نامتوازن؛ با پدیده تحریم های ظالمانه آمریکا دست و پنجه نرم می کند. با تشدید تحریم اقتصادی آمریکا در کنار جنگ روانی شدید، تداوم دیپلماسی پویا و تمام عیار با ۱۵ کشور همسایه و دو کشور چین و هند می تواند جمهوری اســـلامی ایران را برای گذر از مرحله سخت کنونی و در مقابله و پشت پا زدن به تحریم های ظالمانه رهنمون موفقیت باشد.

واقعیت این است که تحریم های ظالمانه شرایط اقتصادی و روند توسعه زیربنایی کشـــور را با چالش‌های زیادی همراه کرده و ایران عزیز در فرایند رقابتی توسعه منطقه ای غرب آسیا با موانع مهمی چون تامین مالی پروژها، جذب سرمایه گذاری خارجی و افزایش مبادلات خارجی همراه است؛ لذا اتخاذ رویکرد تقلیل تحریم ها و قرار گرفتن در شبکه جهانی مبادلات مالی و تجاری بدون پرداخت هزینه مضاعف ضرورت اجتناب ناپذیر دارد.

دیپلماسی چند جانبه در سال‌های اخیر پویایی بیشتری داشته و موجب تکمیل فرایند عضویت و هم‌گرایی کشورمان در سه سازمان مهم منطقه‌ای چون شانگهای، بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و غیره شده است که هر کدام توانایی ظرفیت آفرین مشـــهود برای سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران دارند و لذا پیگیری اولویت ظرفیت سازی در بهره گیری از توانمندی های سه سازمان فوق الذکر به ویژه اتحادیه اقتصادی اوراسیا اهمیت شایان دارد.

سرعت بخشیدن به رویکرد همکاری با همسایگان سیاست توازن منطقه ای و تنش زدایی که مهمترین دستاورد آن حل و فصل مشکلات با عربستان و برقراری روابط با این کشور مهم جهان اسلام در کنار برقراری روابط با چند کشور اسلامی دیگر است، در کنار تعریف و اجرایی کردن پروژه‌های مشترک اقتصادی و زیربنایی به ویژه در حوزه سرمایه گذاری مشترک و ترانزیت ضرورت ملموس دارد، همچنین تحرکات با همســـایگان به ویژه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی سیر صعودی و چشمگیر در زمینه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دیپلماسی عمومی داشته؛ البته حسب آمار ظرفیت های بسیار بیشتری برای همکاری وجود دارد که نیازمند اراده جدی برای عملیاتی کردن توافقات حاصله و اجرایی کردن اســـناد امضاء شده است.

در عین‌حال مبادلات با برخی از همســـایگان مثل عراق و ترکیه خوب است ولی با بیشتر این کشورها ارقام در سال گذشته حدود ۲۰ درصد رشد داشته است؛ البته ســـهم مبادلات با کشورهای روسیه، ارمنستان، ترکمنستان، پاکستان و حتی قطر هم با توجه به توانمندی ها و سطح دوستانه روابط سیاسی راضی کننده نبوده و در بیشتر کشورهای همسایه سهم مبادلات در مجموع تجارت خارجی به ۱ درصد هم نمی رسد. حجم مبادلات خارجی همسایگان بیش از ۲۲۵۰ میلیارد دلار است که سهم واردات ۱۳ کشور بیش از یک‌هزار و یک‌صد میلیارد دلار و صادراتشان ۱۱۵۰ میلیارد دلار است و اگر مبادلات چین و هند را هم اضافه کنیم به رقم بیش از هفت هزار میلیارد دلار می رسد و توانمندی کشورمان در اختصاص صرفا ۲ درصد این رقم به مفهوم ۱۴۰ میلیارد دلار یعنی ۲۰ میلیارد دلار بیشتر از مبادلات خارجی ۱۲۰ میلیارد دلاری ایران اسلامی است. البته اذعان داریم که موتور محرکه اقتصادی کشور و برندسازی صادراتی ضعیف است و ضرورت دارد بخش های تخصصی در این زمینه تلاش موثرتری در فرهنگ سازی اصول موفقیت در تجارت خارجی به کار گیرند. بدون‌شک کشورمان در تحرک بخشیدن به روابط با همسایگان در بخش اقتصادی و تجاری ابزارهای قابل توجهی دارد که تقویت رویکرد موجود می تواند به موفقیت بیشتر سیاست خارجی کمک کند.

ادامه در صفحه ۴